یادداشت روز

پیام رونالد به دونالد از جهنم!

با جمهوری اسلامی ایران چه باید کرد؟ این یکی از اصلی‌ترین سؤالاتی است که دستگاه دیپلماسی آمریکا طی چهار دهه گذشته با آن درگیر بوده و هرچه بر عمر این نظام افزوده شده، این سؤال برای آمریکایی‌ها جدی و پیچیده‌تر شده و به موازات آن، یافتن پاسخ نیز برای آنان سخت‌تر شده است. تا جایی که امروزه برخی تحلیلگران آمریکایی - از جمله مکس فیشر تحلیلگر نیویورک تایمز- معتقد است ایران تبدیل به چالشی جهانی برای ماهیت آمریکا شده است. چالشی که صرف وجود آن، زیر سؤال برنده هژمونی آمریکاست و واشنگتن را دیوانه می‌کند!

برخی از تحلیلگران و دیپلمات‌های آمریکایی پس از چهار دهه آزمون و خطا و شکست در میدان مقابله با جمهوری اسلامی، مدتی است که دکترین ظاهراً جدیدی را روی میز رئیس‌جمهور آمریکا گذاشته‌اند؛ دکترین ریگان. این عده به کاخ سفید پیشنهاد می‌کنند همان سیاستی را در برابر جمهوری اسلامی در پیش گیرد که رونالد ریگان - چهلمین رئیس‌جمهور آمریکا، از دی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷- در زمان خود علیه اتحاد جماهیر شوروی اتخاذ کرد. توصیه بکارگیری دکترین ریگان یک ماه پیش و با آغاز آشوب‌های اخیر در ایران، کلید خورد.

البته توصیه این نسخه پیش از این نیز سابقه داشته و جالب آنکه برخی تحلیلگران و دیپلمات‌های آمریکایی در ایام فتنه ۸۸ نیز همین توصیه را به باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا داشتند. برای نمونه می‌توان به مقاله ری تکیه با عنوان «رهبران ایران در مواجهه با اعتراضات در تنگنا قرار گرفته‌اند» (۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ در روزنامه واشنگتن پست)اشاره کرد که در پایان آن جمهوری اسلامی را به شوروی سابق تشبیه کرده و مدعی می‌شود آشوب‌های آن دوران (فتنه ۸۸) موجب فروپاشی انقلاب اسلامی شده و بهتر است اوباما با درس گرفتن از سیاست ریگان در قبال مسکو، مشروعیت جمهوری اسلامی را زیر سؤال برده و در سمت درست تاریخ قرار گیرد. مقاله جیمز فیلیپس یکی از محققان ارشد امور خاورمیانه در بنیاد هریتیج با عنوان «خط مشی ریگان برای ایران مورد نیاز است» (دسامبر ۲۰۰۹ در وبسایت بنیاد هریتیج) یکی دیگر از این موارد است.

این توصیه و خط‌دهی در دوران جدید جدی‌تر و پرحجم‌تر شده است. روزنامه واشنگتن پست ۱۸ دی ماه در تحلیلی با عنوان «آشوب در ایران فرصتی برای ترامپ است، اما نه از نوعی که او می‌خواهد» به قلم جیک سولیوان (مدیر سابق برنامه‌ریزی در وزارت خارجه آمریکا) و ویلیام برنز (معاون سابق وزیر خارجه آمریکا و رئیس‌فعلی بنیاد کارنگی) نوشت؛ «آشوب‌های ایران یک فرصت است اما نه از نوعی که ترامپ می‌خواهد. ممکن است ترامپ مایل باشد از این موقعیت برای ضربه زدن و از بین بردن برجام استفاده کند اما این سیاستی اشتباه است و مسیر درست حفظ توافق هسته‌ای و استفاده از این اعتراضات برای مهار قدرت منطقه‌ای ایران و فشار در زمینه مسائل حقوق بشری است. با حفظ توافق هسته‌ای شانس همراهی شرکای اروپایی در سایر موضوعات نیز بشدت افزایش می‌یابد. این همان کاری است که ریگان در برابر شوروی انجام داد. او با مسکو قرارداد کنترل تسلیحاتی امضا کرد و همزمان فشارها در زمینه حقوق بشر و محکومیت بین‌المللی درباره رفتار خطرناک شوروی را افزایش داد.»

نشریه پولتیکو نیز در تحلیلی با عنوان «ترامپ درباره ایران باید مانند ریگان عمل کند» (۱۹ دی سال جاری) به قلم دنیس راس و ریچارد گلدبرگ همان توصیه را به کاخ سفید می‌کند و سیاست ریگان در برابر شوروی را الگویی مناسب برای برخورد با جمهوری اسلامی می‌داند و می‌نویسد؛ «این ایده اساسی تنها متعلق به ما نیست و می‌تواند با سیاست رئیس‌جمهور رونالد ریگان، که با موفقیت در مورد یک توافقنامه اصلی کنترل تسلیحات با اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کرد، اعتبار داشته باشد. در حالی که ریگان در ملأعام شوروی را «امپراطوری شیطانی» توصیف کرده و از تغییر رژیم حمایت می‌کرد و فشار اقتصادی در مورد حقوق بشر را افزایش می‌داد.»

راس و گلدبرگ در ادامه به دولت ترامپ توصیه می‌کنند تحریم‌ها و فشارها علیه ایران را با همراهی اتحادیه اروپا در زمینه موضوعات غیرهسته‌ای افزایش دهد.

نمونه جالب توجه دیگر مقاله هفته پیش دنا روهرباکر، عضو ارشد جمهوریخواه کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در نشنال اینترست با عنوان «دکترین ریگان برای ایران؟» است. وی که نویسنده متن سخنرانی‌های ریگان بوده است در این مقاله به شکل صریح‌تری نسبت به همفکران خود پرده از ماهیت این دکترین برداشته و به مغز آن اشاره می‌کند. در واقع دفاع از آزادیخواهی و اعتراضات و حقوق بشر و این قبیل شعارهای جذاب اما توخالی از سوی آمریکا، چیزی جز تلاش برای تجزیه ایران نیست. روهرباکر ضمن تعریف و تمجید از سیاست ریگان و نقش آن در فروپاشی بلوک شرق، می‌نویسد: «ما به دکترین ریگان برای ایران نیاز داریم، به ویژه حمایت از کردها، آذری‌ها، بلوچ‌ها، اعراب و پارسیان ضد رژیم برای ایجاد سیستم‌های جدید مبتنی بر خودمختاری یا ساختار سیاسی فدرال غیر متمرکز.» وی بلافاصله برای نشان دادن نمونه موفقیت این سیاست در زمان حاضر به کردهای سوریه اشاره کرده و «فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه» و «شوراهای دموکراتیک سوری» را نمونه‌ای موفق در این زمینه برمی‌شمارد. همان‌ها که آمریکا زیر پایشان را خالی و امروز زیر گلوله و بمباران نیروهای ترکیه و تروریست‌های مورد حمایت آنکارا در حال کشته شدن هستند! گفتنی است روهرباکر همان کسی است که اردیبهشت سال ۱۳۹۲ طرح تجزیه آذربایجان و بلوچستان ایران را به کنگره ارائه کرد که به «قطعنامه ۱۸۳» معروف شد.

آمریکایی‌ها در حالی دکترین ریگان را به ترامپ توصیه می‌کنند که مروری بر سیاست‌های وی در دوران ریاست جمهوری خود علیه جمهوری اسلامی نشان می‌دهد، شخص ریگان هرچه در چنته داشت برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی به کار بست. در آن سال‌ها که ایران مشغول نبردی نابرابر با رژیم بعث عراق بود، آمریکایی‌ها از هیچ کمکی به صدام برای پیروزی وی در جنگ تحمیلی دریغ نکردند و حتی در مقطع پایانی جنگ، خود نیز در خلیج‌فارس به طور مستقیم وارد درگیری شدند که به نبرد نفت‌کش‌ها مشهور است. ریگان در شرارت و دشمنی با جمهوری اسلامی کار را به جایی رساند که حتی هواپیمای مسافری ایران را بر فراز خلیج‌فارس مورد حمله موشکی قرار داده و ۲۹۰ مسافر مظلوم و بی‌گناه آن را به شهادت رساند که پیکر قطعه قطعه تعدادی از آنان هرگز کشف نشد و کاپیتان جنایتکار ناو آمریکایی بعدها به دلیل این اقدام وحشیانه مفتخر به دریافت مدال شجاعت نیز شد!

آمریکایی‌هایی که امروز ریگان را الگو و سرمشق دولتمردان کاخ سفید برای مقابله با ایران معرفی می‌کنند، باید این سؤال ساده را از خود بپرسند که اگر ریگان عرضه و توانی داشت چرا در آن سال‌ها که جمهوری اسلامی در آن شرایط سخت و دشوار قرار داشت و بسیاری از پیشرفت‌ها و امکانات و پتانسیل‌های مادی و معنوی امروز خود را نیز نداشت، نتوانست به هدف خود برسد؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی ششم دی ماه سال جاری در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، در مقایسه وضعیت امروز و دیروز جمهوری اسلامی و نتیجه دشمنی همیشگی آمریکا با ایران فرمودند؛ «آن کسانی که قبلاً در رأس حکومت آمریکا بودند، بیکار نبودند، آنها هم خیلی کار می‌کردند. ریگان از ترامپ، هم قوی‌تر بود، هم عاقل‌تر بود؛ عملاً هم علیه ما اقدام کرد، حالا با تهدید و هیاهو. او هنرپیشه بود، بازیگری‌اش هم بهتر از این بود، عملاً هم علیه ما اقدام کرد و آن هواپیمای ما را زدند و آن کار را کردند؛ امروز ریگان کجا است، جمهوری اسلامی کجا است؟ امروز جمهوری اسلامی چند برابر زمان ریگان پیشرفت کرده، رشد کرده؛ در همه قسمت‌ها. او در عذاب الهی الان گرفتار است، جسم‌اش پوسیده و خاک شده است، روحش هم علی‌القاعده طبق ضوابطی که ما داریم، مشغول مؤاخذه پس دادن به دستگاه عدل الهی است؛ اینها هم همین‌جور هستند. جمهوری اسلامی به توفیق الهی سرِ پا خواهد ماند و اینها هم داغ ضعیف شدن یا از میدان خارج شدن جمهوری اسلامی بر دلشان خواهد ماند.»

بدون شک اگر ریگان می‌توانست پیامی از جهنم برای ترامپ ارسال کند، آن پیام این بود؛ «چطور یک رئیس‌جمهور یک بازیگر نباشد؟»؛ سناریو، شکست ایران و محو انقلاب اسلامی بود و من نقشم را خوب بازی کردم اما نتوانستم غلطی کنم. دونالد! نبرد با ایران، کمدی «تنها در خانه۲» (فیلمی که ترامپ در آن بازی کرد) نیست.

محمد صرفی

دفاع یکطرفه عراقچی از توافق هسته‌ای

۱۰ ادعای خلاف واقع در یک گفت‌وگوی تلویزیونی درباره برجام

سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه دوشنبه شب در برنامه «جهان آرا» حاضر شد و حدود دو ساعت درباره برجام صحبت کرد. به سیاق سابق اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای همچنان حاضر نیستند به هیچ وجه در برنامه‌ای با حضور منتقدان برجام حضور یابند و شرط حضورشان را یکطرفه بودن برنامه اعلام کرده‌اند. هرچند مجری کوشید با طرح برخی سؤالات چالشی، بخشی از حقایق را آشکار کند اما محدودیت‌های حرفه‌ای اجرا و مهم‌تر از آن، ضرورت رعایت موارد بسیار زیادی (که عدم توجه به آنها می‌تواند باعث قهر مذاکره‌کنندگان از سیما شود) از این برنامه هم یک مونولوگ کسالت‌بار و تکراری ساخت.

مهم‌ترین مشکل آنجا بود که عراقچی با اطلاع از این محدودیت‌ها، با خونسردی کامل موارد خلاف واقع بسیاری بر زبان راند! این رفتار عراقچی واکنش‌های بسیاری در بین فعالان فضای مجازی و کارشناسان موضوع مذاکرات به وجود آورد که هریک در جای خود قابل توجه است.

اکنون بخش اندکی از مهم‌ترین اظهارات خلاف واقع معاون سیاسی وزارت خارجه و توضیحاتی درباره آن، تقدیم شما می‌شود:

آنچه در ادامه می‌خوانید، فهرست ۹ حرف خلاف واقعی است که از سوی او بیان شد:

۱- پول نفت آزاد است!

دکتر عراقچی در آن برنامه با اعتماد به نفس کامل گفت که«پول نفت آزاد است»!!

این یعنی هیچ محدودیتی برای استفاده از درآمدهای نفتی وجود ندارد.

اما واقعیت غیر از این است و درباره انتقال پول نفت به داخل، دو مشکل اساسی وجود دارد که عراقچی تنها به یکی از آنها اشاره کرد و البته آن را بی‌ارتباط با برجام دانست و به دیگری اصلا اشاره‌ای نکرد!

مشکل مهمی که عراقچی دوست نداشت اشاره کند، باقی ماندن تحریم‌های ثانویه بانکی بود. وزارت خزانه‌داری در دستورالعمل اجرای برجام در بخش B.1 مربوط به خرید نفت خام ایران شفاف اعلام کرده است که خریداران نفت ایران باید مراقب باشند که در تراکنش مربوط به پول نفت هیچ فرد و نهاد تحریمی یا همان SDNها درگیر نباشند.

همین یک شرط (که باید از سوی بانک‌های طرف حساب ایران راستی‌آزمایی شود) کار را برای انتقال آزادانه پول‌های ایران سخت کرده است. در نتیجه راحت‌ترین کار خرید اقلام مصرفی از آن کشورها به جای دریافت دلار است!

اما مشکل دومی که عراقچی به آن اشاره کرد، مسئله تبدیل ارزهاست. وقتی در کره جنوبی معادل چند میلیارد دلار پول نفت انباشت شده است و از طرف دیگر نیاز ارزی ایران در امارات و به درهم است، (حتی برای خرید کالاهای مصرفی) باید بانک مرکزی بتواند این درآمد را به امارات منتقل کند. اما تبدیل مستقیم پول کره به درهم در حجم زیاد امکان‌پذیر نیست چرا که بازار کافی ندارد. برای تبدیل باید به ارز مرجع دلار تبدیل شود و بعد به درهم تبدیل شود. ولی چون چرخه دلار برای ایران بسته است، این تبدیل امکان‌پذیر نیست.

فراموش نکنیم که بستن چرخه دلار، یک تحریم ثانویه هسته‌ای بوده است که برداشتن آن جزء مهم‌ترین اهداف برجام بود، اما چنین نشد!

از سوی دیگر عراقچی در حالی ادعا می‌کند «بانک مرکزی می‌تواند پول نفت را در قالب اسکناس به داخل بیاورد» که نوبخت سخنگوی دولت و رئیس سازمان برنامه و بودجه از این نقل و انتقالات خبر ندارد! چرا که همین چند روز قبل گفته بود: «در بازار ما دلار زیاد است ولی برای کنترل نرخ آن باید بانک مرکزی ورود کند که متاسفانه برای تهیه ارز مشکل دارد»!

با این توضیحات روشن است که اظهارات عراقچی خلاف واقع بوده و ما همچنان دسترسی آزادانه به پول نفت نداریم. چیزی که آثار آن به وضوح در اقتصاد کشور مشهود است.

۲- تثبیت حق هسته‌ای!

عباس عراقچی در برنامه جهان آرا مدعی شد در اثر مذاکرات هسته‌ای«حق هسته‌ای ایران تثبیت شده است»! این ادعا از جمله آن ادعاهایی است که خود گوینده هم به نادرستی و خلاف واقع بودن آن تردید ندارد! بر اساس متن برجام، ایران تا سال‌های طولانی و تا زمانی که آژانس انرژی اتمی تایید نکند، به‌عنوان عضو عادی NPT شناسایی نخواهد شد و این یعنی حق فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ندارد. به نظر می‌رسد دکتر عراقچی به مرحله‌ای از توجیه نائل شده که می‌تواند حتی متن برجام را هم انکار کند!

۳- ترامپ مقصر است!

عراقچی در آن برنامه با فراموش کردن حقایق مسلم دو سال قبل مدعی شد: «فضای سازنده(!)اجرای برجام با روی کار آمدن ترامپ، بهم خورد.» این البته رسم دولتمردان و به‌خصوص مذاکره‌کنندگان است که چهره آمریکا را بزک کنند و همه اتفاقات تلخ را به ترامپ نسبت بدهند نه به کلیت ساختار آمریکا! اما باید به عراقچی یادآوری کرد که اتفاقا مهم‌ترین موارد نقض فاحش برجام با تمدید قانون تحریمی «آیسا» در زمان اوباما صورت گرفت. اتفاقا علی‌رغم هیاهو و عربده‌کشی‌های ترامپ، او تاکنون اقدامی فراتر از رفتار برجامی اوباما انجام نداده است.

۴- آب سنگین

دکتر عراقچی که ظاهرا به دلیل سفرهای متعدد خارجی فرصتی برای سفر داخلی و حتی سر زدن به اراک ندارد در آن برنامه مدعی شد:«ماهیت آب سنگین اراک حفظ شد»! این ادعا در حالی است که دولت یازدهم سخاوتمندانه و بدون در نظر گرفتن خون‌های ریخته شده در راه اعتلای علمی هسته‌ای، قلب رآکتور اراک را نابود کرد و سپس با بتن ریزی، خاطر آمریکایی‌ها را برای ابد از بسته شدن این مجموعه راحت کرد و پس از آن رخداد تلخ، حتی نیم گرم آب سنگین استفاده نکرده و نمی‌تواند هم بکند. می‌دانید چرا؟ چون دیگر اساسا چیزی تحت عنوان رآکتور آب سنگین در ایران وجود ندارد! و معلوم نیست که عراقچی با چه چیزی و در کجا مشغول غنی‌سازی با آب سنگین است!

۵- واکنش شدید!

در گذشته و پس نقض عهدهای اوباما، عراقچی و تیم مذاکره‌کننده واکنش‌های شدیدی نشان دادند. اقداماتی مثل پرتاب خودکار و یا ارسال ایمیل اعتراضی! اکنون عراقچی اعلام کرده که به عهدشکنی‌های ترامپ هم واکنش نشان داده است! به گفته عراقچی: «ما به تخریب اطمینان سرمایه‌گذاری در ایران توسط ترامپ، واکنش نشان دادیم»! او البته نگفته واکنش مذاکره‌کنندگان چه بوده اما اخبار منتشر شده گویای آن است که دولتمردان کشورمان، حتی یک مورد اقدام عملی در واکنش به این نقض فاحش توافق هسته‌ای نشان نداده‌اند و گواه این سخن اینکه هیچ گشایشی در امور ایجاد نشده است.

۶- باز هم جنگ روانی!

چند بند بالاتر خواندید که عراقچی به مرحله‌ای از توجیه رسیده که می‌تواند حتی متن برجام را هم انکار کند! در نمونه‌ای دیگر او ادعا کرد که اساسا «بتن‌ریزی در قلب رآکتور اراک، جنگ روانی کری و اوباما بود»! یعنی از نظر آقای عراقچی، الان رآکتور مشغول کار است و هیچ اتفاقی نیفتاده و همه چیز جنگ روانی بود!؟ این ادعای مضحک و این خلاف‌گویی آشکار عراقچی در حالی است که به موجب متن برجام «بتن ریختن در کلندریا به نحوی که قابل استفاده نباشد» به ایران تحمیل شده و دیپلمات‌های متخصص ما هم آن را پذیرفته و سخاوتمندانه اجرا کرده‌اند و معلوم نیست اکنون چه چیزی را انکار می‌کنند!؟ آن هم وقتی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این رخداد تلخ را تایید کرده است! معلوم نیست عراقچی از کدام جنگ روانی صحبت می‌کند!؟ به نظر می‌رسد ادعای جنگ روانی به‌خاطر باخت در جنگ دیپلماتیک باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

به جای گفت و شنود

بوی نرگس

قبر بی‌نشانش «نشانه»ای است تا راهیان، راه گم نکنند و در ناکجاآبادها گمراه و سرگردان نشوند. مردم این مرز و بوم با این نشانه بود که خوش به نشان آمدند، سقف ظلمانی نظام سلطه را شکافتند و طرحی فاطمی درانداختند.

امروز، در سالروز شهادت زهرای مرضیه سلام‌الله‌علیها که چشم‌ها اشکبار و دلها داغدار است، این ستون را در سوگ دختر پیامبر اعظم(ص) به سروده زیبایی از شاعر متعهد کشورمان سرکار خانم ساجده جبارپور اختصاص می‌دهیم؛

نیمه شب گرد سپیدی بر خضاب افتاده است
کوه غم بر شانه‌های بوتراب افتاده است
شاخه‌های یاس دارد بر زمین می‌افتد و...
در میان غنچه‌هایش اضطراب افتاده است
زخم و پهلو، میخ و سینه، خون و بازوی کبود
بر دو دستش زخم سنگ آسیاب افتاده است
بافه موهای دختر بین دستانش رهاست
چشم‌های بی‌فروغش رو به خواب افتاده است
آیه آیه سوره سوره نور می‌آید به گوش
جبرئیل از عرش دنبال جواب افتاده است
از ندامت میخ سر کوبیده بر دیوار و در
بر تن وجدانش انگاری عذاب افتاده است
یاس دیگر بر زمین افتاده... بین کوچه‌ها
بوی نرگس می‌وزد عطر گلاب افتاده است

واکنش ظریف به نمایش مضحک آمریکا در جعل مدرک علیه ایران

وزیر امور خارجه کشورمان می‌گوید در تصویری که آمریکایی‌ها از قطعات موشکی منتشر کرده‌اند، علامت استاندارد ایران وجود دارد، در حالی که این علامت مخصوص اقلام خوراکی است و نه قطعات نظامی پیچیده که اصولا کاربرد عمومی ندارند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در واکنش به اقدام شب گذشته آمریکایی‌ها در دعوت از سفرای ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل و تلاش آن برای فضاسازی علیه ایران با انتشار پیامی در توئیتر، به تناقض‌ها و مضحک بودن «مدارک» ارائه شده از آمریکایی‌ها علیه ایران‌اشاره کرد.

ظریف در پیام توئیتری خود آورد :مدتی قبل، آمریکا یک موشک ایرانی ارائه شده توسط سعودی‌ها را نمایش داد. باید به آنها گفته شده باشد موشکی که در آسمان توسط پاتریوت نابود شده کاملا سالم به زمین فرود نمی‌آید. لذا این بار قطعاتی از موشک را نشان دادند ولی با آرم مؤسسه استاندارد ایران که ما روی بسته‌های غذایی بکار می‌بریم. دوباره تلاش کنید مدرک تولید کنید!

وزیر امور خارجه کشورمان بااشاره به ادعاهای آمریکایی‌ها درباره درج عبارت «ساخت ایران» روی قطعاتی که به ادعای مقامات واشنگتن از بدنه موشک شلیک شده یمنی‌ها به ریاض، پایتخت عربستان به‌دست آمد، به این نکته جالب اشاره کرد که در عبارت مدنظر و ادعایی آمریکایی‌ها، علامت استاندارد ایران وجود دارد، و این علامت مختص اقلام خوراکی و مصرفی عمومی است و برای تولیدات نظامی و قطعات فوق‌پیشرفته و پیچیده آنها که کاربردهای خاص و غیرعمومی دارند، چنین علامتی اصولا هیچ موضوعیتی ندارد.

هیلی ۲۳ آذرماه نیز در جریان یک نشست خبری «موشکی» را به خبرنگاران نشان داد که به گفته او از عربستان به واشنگتن انتقال داده شده است. او مدعی شد که این موشک، همان موشک بالستیکی است که حوثی‌های یمن به فرودگاه ریاض شلیک کرده بودند. بنابر ادعای مقام آمریکایی این موشک آرم «گروه صنعتی شهید باقری» را روی خود داشته و با مشخصات موشک‌های ایرانی همخوانی دارد. این در شرایطی است که «فرحان حق»، جانشین سخنگوی «آنتونیو گوترش» ادعای هیلی درباره ایران را رد کرد و گفت: هیچ دلیل محکمی که منبع ساخت این موشک‌ها را مشخص کند، وجود ندارد. همزمان محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در واکنش به این ادعاها در توئیتی تاکید کرد: «زمانی که من در سازمان ملل بودم این نمایش و آنچه به بار آورد را دیدم.»

خبر ویژه

دولت با اصلاح برخی رویه‌ها می‌تواند به اقتصاد رونق بدهد

دولت با اصلاح برخی سیاست‌های خود می‌تواند به اقتصاد رونق بدهد، بدون اینکه الزاماً منتظر سرمایه‌گذاری خارجی باشد.

روزنامه صبح نو در تحلیلی نوشت: از ظواهر امر چنین بر می‌آید که تیم اقتصادی دولت محترم که به اجرای برجام و ورود سرمایه‌های خارجی امید زیادی بسته بود، حس می‌کند بدون سرمایه خارجی یا دلارهای نفتی، در اداره اقتصاد ایران به بن‌بست می‌رسد.

درست است که برای به حرکت درآوردن اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری لازم است اما خیلی راه‌ها وجود دارد که بدون سرمایه‌گذاری یا تخصیص بودجه‌های هنگفت، می‌توان رشد و رونق و اشتغال ایجاد کرد.

براساس ماده ۷ قانون اصل ۴۴ از ۱۰ سال پیش دولت وظیفه داشته شرایط صدور مجوزهای کسب‌وکار را شفاف، بسیار سهل، سریع و راحت کند. اجرای این سیاست که تولد کسب‌وکارها و ایجاد اشتغال را سرعت خواهد داد، هزینه‌ای ندارد اما دولت در اجرای آن ناموفق بوده است.

براساس قوانین و مقررات موجود، بسیاری از مسئولان در مواردی که خود ذی‌نفع هستند، تصمیم می‌گیرند. نظیر تعیین تعرفه خدمات درمانی توسط پزشکان یا حضور برخی اعضای هیئت‌مدیره بانک‌های غیردولتی در شورای پول و اعتبار. انسان هرقدر هم پاک‌دست باشد، هنگام تعارض منافع، در معرض وسوسه و لغزش قرار می‌گیرد.

یافتن و حذف تعارض منافع هزینه‌ای ندارد ولی با اجرای آن، از انحراف در سیاست‌ها جلوگیری می‌شود و کارآمد شدن تصمیم‌ها، منافع کلانی نصیب کشور می‌کند.

براساس ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، مسئولان اجرایی حق ندارند سیاست‌ها، مقررات موجود را بدون اعلام قبلی، تغییر دهند. در واقع اگر تغییر در سیاست یا مقرراتی ضروری بود، باید مدتی مقتضی قبل از اجرای تصمیم خود آن‌را اعلام کنند.

براساس ماده ۱۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، سازمان برنامه و بودجه وظیفه دارد اسناد همه معاملات دولتی شامل مناقصه، فروش، اجاره در همه دستگاه‌های اجرایی را به تفکیک دستگاه، موضوع معامله، شهرستان و استان، در پایگاه جامع اطلاع‌رسانی معاملات بخش عمومی منتشر کند.

سازمان برنامه و بودجه علاوه‌بر این، بعد از عقد قرارداد با برنده مناقصه نیز، باید اطلاعات معامله شامل مشخصات و قیمت مورد معامله و هویت کامل طرف قرارداد با دولت را در همان سایت اعلام کند.

اجرای درست این حکم هزینه چندانی ندارد اما درصد بسیار بالایی از مفاسد اقتصادی و اختلاس‌ها و ارتشاها را منتفی و یکی از مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران را محو خواهد کرد.

حدود نیمی از ظرفیت دریافت مالیات در ایران با روش‌های مختلف از پرداخت مالیات فرار می‌کنند اما در بانک‌های اطلاعاتی از خود ردی به‌جا می‌گذارند. می‌توان با تقاطع دادن بانک‌های اطلاعاتی حساب‌های بانکی، ثبت اسناد و املاک، مالکان خودرو، صاحبان پروانه کسب، مسافران به خارج و... درصد بالایی از فراریان مالیاتی را شناسایی کرد. دولت باید در حساب‌های مردم سرک بکشد و بداند چه کسی چقدر درآمد دارد. سرک کشیدن دولت به حساب‌های مردم، فقط امنیت دزدها، فراریان مالیاتی و صاحبان درآمدهای نامشروع را به خطر می‌اندازد.با اخذ مالیات از فراریان مالیاتی، هم نیاز تاریخی دولت ایران به افیون نفت برطرف می‌شود، هم از بحران بودجه‌ای موجود رها می‌شود و هم مردم در هزینه‌کرد بیت‌المال که همه‌اش مالیات‌های خودشان است، حساس‌تر می‌شوند و دولت ناچار خواهد بود در هزینه مالیات شهروندان، بیشتر پاسخگو باشد.

دو پاسخ متناقض به معمای عدم طرح سؤال نمایندگان از روحانی

درحالی‌که رئیس‌مجلس می‌گوید کسی مانع سؤال از رئیس‌جمهور نشده، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس گفت رئیس مجلس مخالف طرح سؤال از رئیس‌جمهور است!

علی لاریجانی دیروز در پاسخ به تذکر نصرالله پژمان‌فر نماینده مردم مشهد درباره جلوگیری از طرح سؤال از رئیس‌جمهور در مورد موسسات مالی گفت: کسی مانع این سؤال نشده و گزارش مربوطه موسسات مالی در صحن مجلس مطرح شده است.

نصرالله پژمان‌فر در تذکری به هیئت‌رئیسه مجلس گفت: اگر اجازه طرح سؤال ۱۸۰ نماینده از رئیس‌جمهور درباره موسسات مالی داده می‌شد، مشکلات از خیابان‌ها سر در نمی‌آورد.

وی افزود: ۱۸۰ نماینده، ۶ ماه این مسئله را مطرح و این موضوع را مطرح کردند اما اجازه نمی‌دهیم از مسیر قانونی حقوق مردم پیگیری و سؤال تحقیق و تفحص مطرح شود. این یک‌اشکال اساسی است.

رئیس‌مجلس در پاسخ به این تذکر گفت: تعجب می‌کنم این را می‌گویید و عدم طرح سؤال از رئیس‌جمهور را عامل اغتشاش می‌دانید. سؤال در مورد موسسات مالی مطرح بود و ما از قبل موضوع را پیگیری کردیم. در جریان هستید که نمایندگی از مجلس، قوه قضائیه و دولت چقدر تلاش کردند موضوع حل شود و گزارش هم در صحن مجلس مطرح شد.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: کسی مانع طرح سؤال نیست چرا کار را با دست خودتان تضعیف می‌کنید؟

اما بهروز نعمتی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس به ایلنا درباره علت تعلل هیئت رئیسه در اعلام وصول سؤال نمایندگان از رئیس‌جمهور گفت: رئیس‌مجلس در حال حاضر معتقد است باتوجه به این‌که دولت گرفتار موضوعات مختلفی است، شاید بهتر باشد که این موضوع طرح سؤال فعلاً معطل بماند یا به نوعی تعدیل شود.

بهروز نعمتی با اشاره به آخرین وضعیت رسیدگی به سؤال خود و حدود ۹۰ نفر از نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهوری درباره وضعیت بازار ارز اعلام کرد: ابتدای هفته جاری نیز با رئیس‌مجلس در این رابطه به‌طور مفصل صحبت کردم و قرار شد آقای لاریجانی مواردی را در این رابطه پیگیری کند.

عضو ائتلاف امید یادآور شد: ما به‌عنوان امضاءکنندگان این طرح سؤال، از آقای رئیس‌جمهور توقع داریم که به این طرح سؤال توجه داشته باشد و همچنین از رئیس‌مجلس نیز توقع داریم امکان مطرح شدن سؤال در مجلس را فراهم کند.

این نماینده مجلس همچنین در پاسخ به پرسشی دیگر درباره نگرانی‌هایی که همزمان با رسانه‌ای شدن طرح سؤال از رئیس‌جمهور در مورد بازار ارز، نسبت به فعالیت تخلف‌آمیز افرادی خاص مطرح شد، گفت: اتفاقاً بعضی از اسامی که اخیراً در این رابطه منتشر شد، همان افرادی هستند که آن زمان نسبت به فعالیت‌شان در بازار ارز ابراز نگرانی کرده بودم. بنابر این دولت باید فکری اساسی به حال این بازار کند.

سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس همچنین درباره سؤال تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور درباره موسسات مالی و اعتباری و عدم اعلام وصول آن باوجود سپری شدن چندین ماه، اعلام کرد: مشکل موسسات مالی تا حدود زیادی مرتفع شده است اما به هر حال اگر سؤال‌کنندگان اصرار داشته باشند، باید پیگیری کنند.

نعمتی در پایان با بیان این‌که نسبت به سؤال دیگری درمورد عملکرد سازمان محیط زیست اطلاع ندارد، در پاسخ به این سؤال که مصلحت‌اندیشی در اداره مجلس و عدم اعلام وصول سؤالات نمایندگان از رئیس‌جمهور تا چه زمانی ادامه خواهد یافت، گفت: مسئله این است که اگر این مصلحت‌اندیشی‌ها برای حل یک مشکل باشد، ممکن است در کوتاه‌مدت جواب بدهد اما فکر می‌کنم در درازمدت به مشکل برمی‌خوریم و باید فضا عوض شود.

مشکل نقل و انتقالات بانکی پس از برجام سر جای خود باقی است

برخلاف ادعای اخیر معاون وزیر خارجه، فعالان اقتصادی و محافل رسانه‌ای حامی دولت، از ادامه مشکلات بانکی و نقل و انتقال ارزی خبر می‌دهند.

در حالی‌که عباس عراقچی تصریح کرده بود مشکل نقل و انتقالات بانکی و ارزی برطرف شده، محمد لاهوتی رئیس کنفدراسیون صادرات به ایلنا گفت: هنوز نقل‌وانتقال‌ها توسط صرافی‌ها انجام می‌شود.

وی با اشاره به تهدیدهای آمریکا گفت: کشورهایی همچون چین، ترکیه و امارات که در زمان تحریم‌ها سختگیری نمی‌کردند این بار به خاطر مسائل سیاسی سختگیری‌های خود را اعمال می‌کنند به طوری که علاوه بر ایجاد مشکل برای صادرکنندگان ما و حضور شرکت‌های ایرانی در آن کشورها حساب‌های بانکی ایرانی‌ها را نیز بررسی و برخی از آنها را مسدود می‌کنند.

لاهوتی در خصوص وضعیت نقل و انتقال پولی برای فعالان اقتصادی گفت: برجام تاثیری در نقل و انتقال برای بخش خصوصی نداشته است البته معاملات راحت‌تر صورت می‌گیرد اما هنوز نقل و انتقال‌ها توسط صرافی‌ها انجام می‌شود و همان هزینه‌های زمان تحویل را دارد.

درحالی که تصور می‌شد پس از برجام وضعیت حداقل مشابه سال‌های نخستین دهه ۸۰ خواهد شد و به هرحال مراودات حداقل با کشورهای اروپایی به سمت عادی شدن خواهد رفت، سرکار آمدن دونالد ترامپ بسیاری از این خوش‌بینی‌ها را نقش بر آب کرد. با گذشت چند سال از برجام هنوز بانک‌های کشور قادر نیستند مراودات بانکی را از سر بگیرند و همچنان نقل‌وانتقال پول به کشور ازطریق صرافی‌ها و به اشکال غیرعادی صورت می‌گیرد. این واقعیتی است که در نوسانات اخیر بازار ارز هم می‌توان نقش آن را جست و اگر این وضعیت کنترل نشود در آینده نزدیک اثرات آن به مراتب بیش از میزان فعلی خواهد بود.

نحوه جذب سرمایه خارجی موجب رشد بدهی‌های کشور می‌شود

یک روزنامه غربگرا نسبت به تبدیل سرمایه‌گذاری خارجی به عامل رشد بدهی کشور به جای عامل رشد اقتصادی هشدار داد.

روزنامه شرق که غالباً از سیستم اقتصادی غرب و دیکته‌های اقتصادی آن دفاع می‌کند، این بار می‌نویسد: درباره اثربخشی سرمایه‌های خارجی جذب‌شده در سه دهه اخیر کارشناسان معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منجر به ارتقای فناوری در سطوح عملیاتی تولید شده؛ اما توانایی لازم برای شرکت‌ها در سطوح بالاتر شامل بهبود فرایند طراحی، تولید و توسعه محصول جدید، ایجاد نشده است. به عبارت دیگر ظرفیت فناورانه شرکت‌های ایرانی استفاده‌کننده از سرمایه‌های خارجی، ارزش افزوده درخورتوجهی را در سطح صنعت ایجاد نکرده و عموما این شرکت‌ها توانمندی تولید و مونتاژ را به دست آورده‌اند؛ بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی که عموما در جست‌و